

## اولین فرصت رفع تمام تحریم‌ها



قاسم محبعلی

مدیرکل پیشین خاورمیانه و شمال آفریقا در وزارت خارجه

این اتفاقی ویژه بعد از حدود چند دهه بود که بین ایران و آمریکا رخ داد: مذاکرات رسمی و اعلام‌شده صورت گرفت، این خودش تحولی جدید است که باید از آن استقبال کرد. مسئله دیگر اینکه طرفین، به‌خصوص طرف آمریکایی، بسیار مثبت واکنش نشان دادند. هم بیانیه کاخ سفید و هم توثیقی که خود آقای ویتکاف زده است، برداشت مثبتی را از مذاکرات اعلام کرده‌اند. بیانیه وزارت خارجه عمان هم بیانیه مثبتی است، در عین حال که به دو مسئله مهم اشاره کرده است: یکی اینکه هدف این مذاکرات، رسیدن به توافقی منصفانه و الزام‌آور است. توجه دارید که برجام توافقنامه داوطلبانه و «جنتلمانه» بود و الزام‌آور نبود. فقط قطعنامه‌های شورای امنیت، به‌خصوص برای ایران، الزام‌آور بود؛ چون طرفی که قطعنامه نسبت به او صادر شده، ایران بود. طبیعتاً مفهوم توافق الزام‌آور این است که نه تنها دولت‌ها بلکه، در آمریکا کنگره و در ایران، مجلس، باید آن را تصویب کنند. خروج از چنین توافقنامه الزام‌آوری هم طبعاً برای طرفین مشکل می‌شود. این ارزیابی کلی است، بدون اینکه وارد جزئیات شویم، چون جزئیات روشن نیست. به نظر می‌رسد طرفین در این دور فقط نقطه‌نظرات‌شان را به طرف مقابل منتقل کرده‌اند و جزئیات ورود به بحث را به جلسه بعدی واگذار کرده‌اند.

هنوز برای قضاوت زود است ولی به نظر می‌رسد که هم طرف ایرانی و هم طرف آمریکایی علاقه‌مند و مشتاق هستند که مذاکرات به نتیجه برسد؛ البته مسائل همان‌طور که در بیانیه آقای ویتکاف آمده و کاخ سفید هم اشاره کرده، بسیار پیچیده است و با مسائل دیگر در ارتباط است. انتظار اینکه مذاکرات فوراً در یک یا دو جلسه به نتیجه برسند، شاید خوش‌باورانه باشد. باید تا جلسه دیگر صبر کرد تا ببینیم بعد از اینکه هیئت‌ها به پایتخت‌هایشان برگشتند و با مسئولین بالاتر و تصمیم‌گیران اصلی صحبت کردند، چه برداشتی از مسائل دارند. جلسه بعدی تا اندازه زیادی جهت مذاکرات را روشن خواهد کرد.

دولت‌ها به طور کلی در سیاست‌های اعلامی‌شان از این روند استقبال خواهند کرد. طرف‌هایی مثل روسیه، چین، حتی دولت اسرائیل و کشورهای عربی هم به صورت رسمی و علنی استقبال خواهند کرد و البته در این استقبال خواسته‌هایشان را هم به نوعی، مستقیم یا غیرمستقیم خواهند گنجاند؛ اما سیاست اعلامی با سیاست اعمالی ممکن است در بین کشورها متفاوت باشد. خواسته‌هایشان هم متفاوت است؛ بنابراین ممکن است که در جریان مذاکرات نقش‌های متفاوتی بازی کنند و اثرات متفاوتی روی طرفین بگذارند. اروپایی‌ها حتماً از به نتیجه رسیدن مذاکرات استقبال خواهند کرد و توافق آمریکایی می‌تواند به توافق با اروپا هم منجر شود. اعراب به‌طور کلی از این روند استقبال خواهند کرد، اگر چه ممکن است در عین حال نگران نزدیکی ایران و آمریکا باشند. اسرائیلی‌ها بر خوردی در هم و دوگانه خواهند داشت و تلاش خواهند کرد منافع خودشان را هم در این مذاکرات ببینند. منافع آن‌ها هم این است که سیاست خاورمیانه‌ای ایران در قبال اسرائیل هم تغییر نکند. باید صبر کرد تا ببینیم هر کدام از این بازیگران چقدر می‌توانند در جریان مذاکرات مؤثر باشند؛ ولی اگر تصمیم ایران به طور اساسی این باشد که با ترامپ و اطرافیان ترامپ در آمریکا به نتیجه برسد، این مؤثر خواهد بود. در ایالات متحده به نظر نمی‌رسد که وزارت خارجه و دستگاه‌های دیگر کاملاً هم‌نظر باشند و با شخص آقای ترامپ اختلاف نظر نداشته باشند. در جریان مذاکرات ممکن باید ببینیم بین دولت و شخص ترامپ چه تفاوت‌هایی به وجود می‌آید. ترامپ را به طور کلی باید از Establishment [ساختار قدرت]، نه کاملاً مجزا، ولی متفاوت تعریف کرد. باید تلاش کرد در عین حال که با ترامپ توافق ممکن است، از این فرصت استثنایی که جمهوری خواهان کل ارکان دولت آمریکا را در اختیار دارند، استفاده شود و توافقی حاصل شود که به تصویب کنگره هم برسد و همه تحریم‌های ایران رفع شود. این شاید اولین بار باشد که می‌شود امیدوار بود در صورتی که مذاکرات به توفیق کامل برسد، همه تحریم‌ها، نه تنها تحریم‌های هسته‌ای، برداشته شوند.

## چهار دیپلمات سابق از چشم‌انداز گفت‌وگوهای ایران و آمریکا می‌گویند

# خوش‌بینی محتاطانه از شنبه تا شنبه



والتر یا امثال این‌ها. این نشان می‌دهد او توافق می‌خواهد. این طرف هم تصمیم راهبردی نظام در کار است. تصمیم این بوده که به‌رغم ملاحظات که داشتیم، به نام ترامپ پاسخ داده شود و ایران هم وارد مذاکره شود. بله، می‌گویند مذاکره غیرمستقیم است ولی در نهایت هم مستقیم‌شد و خواهد شد. نکته‌مجهول و مغفول قضیه، مذاکره کنندگان هستند. خوشبختانه پرونده به وزارت خارجه سپرده شده، این بسیار پیشرفت خوبی است؛ اما آیا وزارت خارجه توانایی و کارشناسی لازم برای این کار را دارد؟ من مقداری در این تردید می‌کنم. پیش‌نهادم این است که از همه ظرفیت‌های کشور، به‌دور از هر گونه حب‌و بغض استفاده کنیم. مسئله ملی است. مهم‌ترین پرونده‌ای است که نظام با آن روبه‌روست. مهم‌ترین چالش کشور برای چند ماه آینده است. حتی می‌تواند سرنوشت خیلی از مسائل را در ایران رقم بزند. اگر از این ظرفیت‌ها استفاده شود، امیدواری زیادی دارم که بتوانیم به تفاهم بسیار خوبی با آمریکا برسیم. نکته بعدی که عامل نگرانی است، مسئله تئورهای دو طرف است و نیز بازیگرانی به جز این دو طرف. کشورهای هستند که واقعا، حتی نه فقط رابطه بین ایران و آمریکا، بلکه تفاهم ایران و آمریکا، نزدیکی‌شان و رفع سوءتفاهم‌های این دورا به ضرر خودشان می‌بینند. باید مواظب این‌ها هم باشیم.

مشخص است برای بعضی کشورهای، بهبود رابطه ایران و آمریکا و حل مشکلات ضرر و زیان است و نمی‌خواهند چنین شود. اسرائیل در رأس این‌هاست. برایش خط قرمز است. تمام تلاشش این است که آمریکا را به جنگ با ایران بکشانند. روابط ایران را با آمریکا هر چه بیشتر بحرانی کنند. ترامپ را وادار کنند دست به کاری شبیه همانی بزند که در مورد مر حوم شهید سلیمانی زد. ترامپ تا به حال مقاومت کرده است و نشان داده که نسبت به دور قبل خیلی عاقلانه‌تر پیش می‌رود؛ البته این «عاقلانه‌تر» که می‌گوییم، به خاطر این است که در آمریکا هم اتفاقاتی افتاده است. ترامپ این بار خودش را بر نظام سیاسی آمریکا تحمیل کرده است. توانسته تمام اعضای حزب جمهوری خواه ادر دست بگیرد. آدم‌های تندرو جمهوری خواه، اگر چه در کابینه هستند، اما قدرت ایفای نقش را ندارند؛

کنیم؟ این‌ها مباحثی است که دو طرف باید از جهت مبنایی خود را برایشان آماده کنند. آمریکایی‌ها الآن می‌دانند که نمی‌خواهند ایران تسلیحات هسته‌ای داشته باشد. به عقیده من با این صدهای مختلفی که از آمریکا بیرون می‌آید، باید گفت آمریکایی‌ها می‌دانند چه نمی‌خواهند، ولی نمی‌دانند چه از ایران می‌خواهند. آیا ایران می‌تواند از آن دستاوردها و امکاناتی که بومی‌سازی شده و دارد، چشم پوشد؟ بعد می‌دانم. این قسمت واقعاً مقداری کار را سخت می‌کند. مفهومش این نیست که نشدنی است. باید بالاخره به فرمولی برسیم. امکانش هم هست که به این فرمول برسند، مثلاً ممکن است درخواست ایران این باشد که تمام تحریم‌ها برداشته شود، یعنی هم بین المللی و هم تحریم‌های خود آمریکا. اقتصاد ایران شکوفا شود و ایران هم بتواند به جامعه بین‌المللی برگردد. از طرف ایران هم فرض کنیم دسترسی نظارتی ۱۰۰ درصد باشد که مطمئن شوند ایران رویکرد نظامی به برنامه هسته‌ای‌اش نمی‌دهد یا مثلاً در همین حد غنی‌سازی را منجمد کند. بالاخره این‌ها فرمول‌هایی است که باید در مذاکرات به‌وجود بیاید؛ ولی یکی از نکات مثبت دور اول هم این بود که بالاخره دو طرف با همدیگر پیام تبادل کردند. اگر این برود به سمت مراحل پیشرفته‌تری، به سمت اینکه به نوعی دو طرف کنار هم بنشینند، مثل همان چیزی که برای افغانستان یا عراق در بن و بغداد رخ داد و با آمریکایی‌ها نشستیم و مذاکره کردیم، این امکان وجود دارد. باید گشت که این فرمول‌ها پیدا شود، یعنی ماحیلی کار آکادمیک، مطالعاتی، نخبگانی و مشارکتی نیاز داریم که وزارت خارجه از این ادبیات و این امکانات استفاده کند.

اگر دو طرف با رویکرد انعطاف حداکثری وارد مذاکرات شوند، کار جلو می‌رود. کارهای دیپلماتیک هم کارهای بسیار سخت و تنش‌آفرینی است، ولی صبوری می‌خواهد. ویژگی‌هایی هم در این دوره وجود دارد که کمک کند

بمب اتمی نداشته باشد. این چیزی که تا به اینجای کار شنیده‌ایم. معلوم نیست بعد از آن مذاکرات مطالب دیگر مطرح شود یا نه. بالاخره فقط این دو طرف دخیل نیستند. بازیگران بیرونی هم دخالت دارند. اما اگر چنین باشد که موضوع، مسئله هسته‌ای است، این فصل مشترکی است که بر سر آن بین ما و آمریکا می‌شود به تفاهم رسید. به خاطر اینکه سلاح هسته‌ای خط قرمز ما هم هست. هم مسئله فتوا هست و هم گزارش‌هایی که سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا سال‌هاست می‌دهند، می‌گویند هیچ نشانه‌ای مشاهده نکرده‌اند که ایران به سمت بمب اتمی برود. مسئله غنی‌سازی در حد ۶۰ درصد است؛ ذخایر سوختی که تهیه کرده‌ایم؛ میزان و نوع سانتریفیوژهایی که داریم استفاده می‌کنیم و تعداد سوپی که داریم تولید می‌کنیم؛ زمان برجام ۱۹ هزار یا ۲۰ هزار داشتیم که الآن آن‌طور که من شنیده‌ام به بیش از ۱۰۰ هزار رسیده و ظرفیت افزایش هم وجود دارد. این‌ها آورده‌های ماست که دست‌ماپر باشد و مذاکره کنیم تا در مقابل عقب‌نشینی از هر کدام از آن‌ها و بازگشت به آنچه آن‌ها می‌خواهند، بحث کنیم، نه به این تعبیر که امتیاز بگیریم. برای اینکه بتوانیم مطالبات خود را دنبال کنیم. از این طرف مطالبات ما از طرف مقابل، آن‌طور که ما شنیده‌ایم، مسئله لغو تحریم‌هاست. دو نوع تحریم داریم. یکی تحریم‌هایی که ناشی از مسائل اتمی ما بوده و دیگری تحریم‌های اولیه که از زمان اشغال لانه جاسوسی شروع شد. من نمی‌دانم برنامه طرف ایران چیست و چه مطالباتی را می‌خواهد مطرح کند. نکته مهم این است که بستر مذاکره آماده و فضای روانی برای توافق در دو طرف ایجاد شده است. در هر دو طرف هم تئورهای وجود دارند، ولی فعلاً غلبه با افراد و جریان‌هایی است که خواهان توافق هستند. آن طرف خود آقای ترامپ در صدر است که ویتکاف را به‌عنوان مذاکره‌کننده تعیین کرده و نه رویو یا

با هم دارند به این نقطه رسیده‌ایم. بعد از پنج دهه رابطه آسیب‌دیده و تلنبار شدن مشکلات روی هم، حالا به اینجا رسیدیم که فعلاً با یکی از دغدغه‌های اصلی دو کشور دست‌وپنجه نرم کنیم و کار را جلو ببریم؛ بنابراین من در مجموع این دور را مثبت ارزیابی می‌کنم و امیدم هم همین است که اگر با همین رویکرد و همین وضعیت جلو برود، روند به سمت خوبی باشد.

ضرب‌المثلی هست که می‌گویند شیطان در جزئیات است؛ یعنی تا زمانی که بحث‌های کلی مطرح است، خیلی راحت می‌شود تفاهم کرد، ولی وقتی وارد جزئیات می‌شویم، شرایط دیگری پیش‌روست. هفته‌آینده بنابر روی مینا، شکل و محتوای مذاکرات کار شود. اینجاست که دیگر ممکن است اختلافات رخ بنمایند. باید دقیقاً مشخص کنیم و ببینیم استراتژی طرف مقابل چیست. یک مسئله مبنایی این است که بدانییم آمریکا از چه منظری می‌خواهد به پرونده هسته‌ای نزدیک شود. پرونده هسته‌ای، یک قطعنامه ۲۲۳۱ پشتیبان دارد و یک مذاکرات ۱۲ ساله. در حقیقت برجام، توان دیپلماتیک دنیا بود. ۵ قدرت اصلی شورای امنیت به اضافه آلمان و از این طرف ایران. کار سیاسی، دیپلماتیک و حقوقی بسیاری انجام شد و به دست آمد. ایران به راحتی حاضر نیست آن را از دست بدهد؛ بنابراین اول باید ببینیم آمریکا از چه منظری می‌خواهد وارد این مقوله شود. آیا می‌خواهد برجام اصلاح شود؟ آیا می‌خواهد اصلاً برجام کنار برود؟ در آن صورت اگر قرار شد برجام کنار رود، آیا قرار است چرخ را از اول اختراع

مثبت‌بودن گفت‌وگوها فقط برداشت من نیست. برداشت عمومی، چنان که رصد می‌کنم این است که خروجی این دور از گفت‌وگوها، کاملاً مثبت بوده. مهم‌ترین دلیل بیانیه کاخ سفید است. نه خود ویتکاف و نه وزارت خارجه، بلکه خود کاخ سفید گفت‌وگورا بسیار مثبت و سازنده ذکر کرده است. آقای عراقچی هم دیدیم که با همه ملاحظات داخلی که وجود دارد، استقبال کرد و سازنده و امیدوارکننده خواند و چنان گفت. استقبالی که دنیا از این مرحله کرده، چه کشورهای بزرگ و چه کشورهای منطقه، نشانه‌های امیدواری است که پایه خوبی گذاشته شده است؛ البته باید توجه کرد این مذاکره نبود. گفت‌وگوهایی برای تعیین چارچوب بود، برای مذاکراتی که قرار است احتمالاً در شنبه آینده شروع شود. من برداشتم بسیار مثبت و با امیدواری است.

اصلاً شیوه طرح مسئله نباید حول امتیازات باشد. مذاکرات باید بر اساس بده‌بستان باشد؛ یعنی خواسته‌هایی طرف مقابل از ایران دارد و خواسته‌هایی هم ایران از طرف مقابل. مهم رسیدن به آن نقطه تعادلی است که هم منافع هر دو طرف حفظ شود، هم از خطوط قرمز هیچ‌یک از دو طرف عبور نشود. تا اینجای قضیه، طبق آنچه در توثیق‌ها و در صحبت‌های ترامپ به‌عنوان اصلی‌ترین عنصر تعیین‌کننده در طرف مقابل دیدم، موضوع فعلاً مسئله هسته‌ای است و اینکه ایران

## انعطاف حداکثری کم در مقابل کم

فکر می‌کنم دور اول تقریباً خوب انجام شد. هم خوب مدیریت شد و هم ابعاد مختلف در این دور دیده شد. اولاً دو طرف راضی بیرون آمدند؛ یعنی به عقیده من بازی را برد-برد تمام کردند. هر دو طرف گفت‌وگوها را مثبت و سازنده و امیدوارکننده خواندند. اگر همین رویکرد و همین وضعیت در دوره‌های بعدی هم ادامه پیدا کند و مشکل یا تحول خاصی پیش نیاید، حدس می‌زنم که روند، روند خوبی باشد و شرایط امیدوارکننده است. روند تا اینجا منصفانه بود. انتظار هم همین بود که روی کلیات صحبت شود. ظاهر قرار شده فعلاً بحث روی مسئله هسته‌ای متمرکز باشد. طبعاً مواردی هست که دغدغه‌های دو طرف است؛ ولی فعلاً موضوع، مسئله هسته‌ای است، یعنی مسئله هسته‌ای از طرف آمریکا و مسئله تحریم‌ها از طرف ایران. من اسمش را می‌گذارم استراتژی کم در مقابل کم. این هم خوب است. ما برای حل مشکلات باید آن‌ها را به اجزای کوچک تقسیم کنیم تا تسریع‌تر قابل حل باشند. اگر می‌گوییم این دور خوب بوده است، باید دقت کنیم، منظور این است که ما از شرایطی که دو کشور تقریباً روابط خصمانه



نصرت‌الله تاجیک

سفر پیشین ایران در اردن